

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخنِ رسا از دانش‌مند گران‌مایه در یادبود از واقعهٔ بزرگ



(ترجمه)

شیخ عطا ابن خلیل ابو الرشته، دانش‌مند جلیل القدر و امیر حزب التحریر، خطاب به بهترین امتی که برای هدایت و دعوت مردم مأمور گردیده و به حاملین خوب و نیکوکار دعوت و به بازدیدکنندگان صفحات‌اش در دنیای مجازی بیانی ایراد فرموده که در آن آمده است: «در تاریخ ملت‌ها روزهای درخشانی‌ست که ملت‌ها به آن روزها می‌بالند، پس حال چگونه خواهد بود اگر این‌گونه روزها محل تحقق مژده‌ها و بشارات رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد؟ به یقین که این‌گونه روزها ستاره‌هایی‌اند که در آسمان می‌درخشند؛ بلکه آفتاب‌های‌اند که دنیا را روشن ساخته و امت را به دامنه‌های بلند آسمان رسانده است، از جملهٔ آن روزها این روزهای مبارکی‌ست که در آن قرار داریم، روزهای یادبود از فتح قسطنطنیه.»

پیش از آن که به تحلیل و بررسی بیان آغاز نمایم و وارد معانی ژرف و بزرگ‌اش شوم، می‌خواهم بگویم که سخنور این بیان نه پژوهش‌گر تاریخی‌ست، نه دانش‌مند تنها و نه هم‌آموزگار و استاد، هرچند این صفات و ویژه‌گی‌ها در شخصیت او عجین شده است؛ اما او یک رهبر و پیش‌آهنگ بزرگی‌ست که قیادت یک جریان غیر مسلحانه‌ای را به عهده دارد که در تاریخ معاصر ماندش را سراغ نداریم. او امیر یک جریان سیاسی است که مبدأ و اساس‌اش را اسلام شکل می‌دهد و برای از سرگیری زندگی اسلامی تلاش می‌ورزد که از مدتی بدین‌سو از هم گسسته است و این مأمول بدست نمی‌آید؛ مگر با برپایی دولت خلافت برای همهٔ مسلمانان در روی زمین تا این که به شریعت الله حکم شود و دین الله بسوی تمام دنیا با دعوت و جهاد حمل شود.

بیان مذکور سخن‌رسانی‌ست از دانش‌مند بزرگوار در یادبود از حادثهٔ بزرگ؛ چون واقعه و حادثه‌ای که امیر بزرگوار در یادبود از آن ما را مخاطب قرار داده، پیوند محکم با بشارت پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد. احمد از عبد الله ابن ابن عاص روایت می‌کند که گفت: در حالی که ما در اطراف رسول الله صلی الله علیه وسلم گرد آمده بودیم و می‌نوشتیم کسی از رسول الله

صلی الله علیه وسلم پرسید: کدام یک از شهرها نخست فتح می‌گردد، قسطنطنیه و یا روم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَدِينَةُ هِرَقْلٍ تُفْتَحُ أَوْلًا، يَعْنِي قُسْطَنْطِينِيَّةً»

**ترجمه:** شهر هِرَقْلِ نخست فتح می‌گردد، یعنی قسطنطنیه.

هم‌چنان در حدیث دیگر از عبد الله ابن بشر ابن خَتَمِي که او از پدرش روایت نموده و پدرش از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است که می‌فرمود:

«لَتُفْتَحَنَّ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ فَلَنِعْمَ الْأَمِيرُ أَمِيرُهَا وَلَنِعْمَ الْجَيْشُ ذَلِكَ الْجَيْشُ»

**ترجمه:** قسطنطنیه حتماً فتح می‌گردد، چی نیکو امیری ست امیر آن و چی نیکو ارتشی ست آن ارتش!

اکنون بر محتوای بیان در چند نکته درنگی خواهیم کرد:

**نکته اول:** دید و نگرش صحابه رضی الله عنهم اجمعین در موقف‌های جهانی و پیروزی‌ها، آن‌ها اتباع دولت کوچکی بودند که اساسات دولت‌داری ابتدایی و نسبی داشت، از موقف و جایگاه بین‌المللی کاملاً بی‌بهره بود و با هیچ دولت بزرگ آن روزگار که ساختار روابط بین‌الدول را تعریف می‌کرد، برخورد نظامی نکرده بود؛ اما فرماندهان مسلمان تلاش‌های خستگی‌ناپذیری انجام دادند و اسلام را به چهارگوشه دنیا جهت هدایت و سرپرستی بشر انتشار دادند.

**نکته دوم:** نقش علماء در تربیت رهبران و فرماندهان، هم‌چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم نقش برجسته و اساسی در ساختن و تربیت صحابه و فرماندهان بی‌نظیر داشت؛ به همین‌طور پس از او صلی الله علیه وسلم برای هر فرمانده و رهبر علماء و دانش‌مندان وجود داشت که حیثیت مشاور و افراد حلقه نخست او را داشتند. از میان این رهبران یکی هم محمد فاتح است که عالم بزرگوار احمد ابن اسماعیل کورانی و شیخ آق شمس‌الدین را از نزدیکان خود قرار داده بود که در ساختن و جهت‌دادن شخصیت او نقش بسزای داشتند.

**نکته سوم:** جدیت فرمانده و پافشاری‌اش در استفاده از همه اسباب و وسائل، که این نقطه در ساختن قلعه‌ها توسط محمد فاتح برای حفاظت ارتش‌اش، استفاده از مهندس کارآزموده (اوربان) در ساختن توپ‌ها، ابتکاراش در هُل دادن کشتی‌ها از طریق خشکه و از عقب خطوط دفاعی دشمن و در نهایت آماده ساختن کامل فضای نظامی برای فتح قسطنطنیه. این خلاف آن‌چه است که از علماء و دانش‌مندان امروزی ما سر می‌زند، که بدلیل عدم توجه و سرپرستی از جانب حکام، سود آن‌ها را غرب برده و پیشرفت علمی خود را بر شانه‌های آن‌ها بنا نموده است.

**نکته چهارم:** در میان جنگ نخست علیه قسطنطنیه با مشارکت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه و فتح آن در سال 857 هجری بیشتر از 800 سال فاصله زمانی وجود دارد و این از نشانه‌های نبوت محمد صلی الله علیه وسلم است و هم‌چنان این را می‌رساند که در مقابل تحقق عقیده و بشارت به زمان هیچ اعتباری داده نمی‌شود. و به همین‌طور در میان فتح و آمادگی برای آن کم‌تر از دوماه سپری شد و این بیانگر این است که فتح و پیروزی بستگی به توفیق و نصرت الله سبحانه و تعالی به بندگان مؤمن‌اش دارد. الله سبحانه می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾

**ترجمه:** بی‌گمان ما فرستادگان خود و آنانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در روزی که گواهان برمی‌خیزند، یاری

می‌دهیم.

**نکته پنجم:** سجده در هنگام فتح و پیروزی و در اوج قدرت و تعالی، اظهار و اقرار بندگی به الله بوده و این که اورب الارباب و مسبب الاسباب است. ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ نصرت و پیروزی نیست؛ مگر از جانب الله غالب و با حکمت. و این مانند عده از هوس‌بازانی نیست که وقتی پیروزی‌های خیالی را در میدان‌های ورزشی بدست می‌آورند؛ هیاهو و سر و صدا بلند می‌کنند، آتش‌بازی به راه می‌اندازند، نمایش‌نامه و نمایش‌گاه‌ها برپا می‌دارند و مانند بی‌خردان مجالس رقص و پای کوبی دایر می‌کنند، این‌ها کسانی‌اند که تلاش‌های‌شان در زندگی دنیا به گمراهه رفته و می‌پندارند که کار نیک انجام می‌دهند.

**نکته ششم:** گسترش فقه جانشینی، الگوگیری و جهاد هجومی در عصرهای پیهم مسلمانان که صاحب دولت و اقتدار بودند که این امر از عهد نبوت آغاز و با گذشتن از خلافت راشده اول و ختم شدن در پایان عهد پادشان به دندان گیرنده قدرت ادامه پیدا کرد، این در حالی‌ست که پس از نابودی خلافت عثمانی مفردات فقه استضعاف گسترش یافته و مسلمان‌ها بدنبال جهاد دفاع و مقاومت می‌کردند و بر این کارشان نام "صلح قهرمانان" را گذاشته‌اند و هم‌چنان فقه حفاظت پارچه‌های ابریشمی از غضب دشمنان کافر، نماز در زیر آورها، روزه برای کسی که هیچ پناه‌گاهی ندارد و رشوت دادن به قطاع‌الطریق و قاچاق‌بران در مرزهای مسلمانان، موارد از این قبیل بسیار زیاد است!! این و امثال این زمانی بوقوع پیوست که دولت خلافت نابود کرده شد، اقتدار مسلمانان از زمین رخت بریست و کفار بر سرزمین اسلامی، داری‌های آنان و عقل‌های بسیاری از آن‌ها تسلط پیدا کردند.

**نکته هفتم:** در این بخشی از تاریخ گل‌آلود که امت اسلامی در آن غوطه‌ور گردیده بود؛ حزب التحریر بپاخاست تا برای این امت عزت از دست رفته‌اش را دوباره باز گرداند و در میان امت فکر، فقه، اصول و سیاست را تجدید نماید. از این جهت خود را وقف این نموده تا یکجا با امت برای برپایی خلافت فعالیت داشته باشد، پس از آن که حزب در این مسیر پر مشقت مسافه طولانی را پیمود و برخی نشانه‌های بیداری در میان امت در طول و عرض سرزمین‌های اسلامی پدیدار گشت و فاصله برپایی خلافت همانند دو کمان و یا کم‌تر از آن شد؛ دیوانگی غرب و حکام اجیرش شدت پیدا کرد و به توطئه و دسیسه‌چینی علیه حزب و شباب آن آغاز کردند و از عام مردم، ترک‌کننده‌های حزب، عهدشکنان، جزا داده شده‌ها و منزوی شده‌ها کسانی را یافتند که به حرف‌های آن‌ها گوش می‌داد؛ تا این که در عزم شباب حزب سستی ایجاد نموده و آن‌ها را از فعالیت‌های جدی و همیشگی‌شان باز دارند؛ اما قوت شباب حزب و انسجام آن‌ها راه را برای پلان‌های خبیث و فعالیت‌های شیطانی‌شان بست.

**نکته هشتم:** امروز ما بر دروازه‌های برپایی خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت قرار داریم و طلب باریدن رحمت از جانب الله را داریم و با بی‌صبری انتظار نصرت نزدیک الله سبحانه و تعالی را می‌کشیم و به الله گمان نیک داریم که ما را با تحقق بشارت‌های پیامبراش عزت ببخشد و روم به‌دستان ما فتح شود تا به اذن الله بیرق عقاب را بر محله‌های آن بلند کنیم. ما به تحقق و به کرسی‌نشستن بشارت دوم پیامبر صلی الله علیه وسلم در رابطه به آزادی فلسطین و جنگ با یهود اطمینان کامل داریم و بزودی در بیت المقدس شاهد برپایی بیعت هدایت خواهیم بود، پس از آن که به اذن الله سبحانه و تعالی مرکز دار الاسلام قرار گیرد.

در پایان به درگاه الله سبحانه وتعالی التماس و تضرع می‌کنیم که روند عملی شدن بشارت‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم آغاز شده و این بشارت‌ها یکی پس از دیگری جامه عمل بپوشد و به این ترتیب شاهد برگشتن خلافت این امت باشیم، سپس قدس این امت را آزاد کنیم، روم را فتح کنیم چنان که قبلاً بیزانس را فتح نمودیم و به این ترتیب احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم مصداق عملی پیدا نماید. هم‌چنین از الله متعال می‌خواهیم ما را یاری نماید تا کار خویش را با احسان و نیکویی انجام دهیم تا اهل بیت نصرت الله عزیز و رحیم را به دست آوریم.

﴿و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم﴾

برگرفته از جریده‌ الراه

نویسنده: استاد رولا ابراهیم

مترجم: منیب حمیدی